

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادامه مرحله سوّم: منشأ ظهور هیئت نهی

بیان شد که در مورد منشأ ظهور هیئت نهی در تحریم چهار مبنا وجود دارد، مبنای اوّل اطلاق و مقدمات حکمت بود که محقق عراقی «رحمة الله علیه» در بحث از ظهور اطلاق هیئت امر در وجوب، مطرح نموده و به دو صورت تقریر نموده اند که محصل آن دو تقریر در مورد هیئت نهی بیان گردیده و مورد نقد و بررسی قرار گرفت و بیان شد که مرحوم شهید صدر نیز دو تقریر متفاوت ذکر نموده اند تا اینکه عاری از ایرادات گذشته باشد. در ادامه به بیان این دو تقریر و نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

تقریر اوّل

تحریم و کراهت، دو فرد از افراد طلب ترک فعل و یا منع از فعل می باشند با این تفاوت که تحریم، مقید به قید عدمی یعنی عدم ترخیص در فعل و کراهت، مقید به قید وجودی یعنی ترخیص در فعل می باشد و از طرفی در مورد لفظی مثل هیئت نهی که خود مفهوم قدر جامع یعنی طلب ترک فعل و یا منع از فعل می باشد، آنچه نیازمند مثنونه زائد می باشد، افهام قید وجودی است و اما برای افهام قید عدمی کافی است قیدی به آن اضافه نشود. به همین دلیل اگر مولای حکیم، صیغه نهی را به صورت مطلق استعمال نماید، مقتضی اراده فردی است که نیاز به قید زائد ندارد و آن فرد در ما نحن فیه تحریم می باشد، نه کراهت.

نقد تقریر اوّل

اولاً همانطور که وجوب و استحباب حقایقی بسیط بوده و عدم ترخیص ترک در وجوب و یا ترخیص ترک در استحباب، لازمه هر کدام از آنهاست، تحریم و کراهت نیز حقایقی بسیط بوده و عدم ترخیص فعل در حرمت و یا ترخیص فعل در کراهت، از لوازم آن معنای بسیط بوده و داخل در مدلول نمی باشند تا اینکه گفته شود یکی مقید به قید وجودی و دیگری مقید به قید عدمی می باشد. ثانیاً عدم ترخیص در فعل که شما آن را قید تحریم دانستید، عدم مضاف بوده و حظی از وجود داشته و لذا از قیود عدمیه محسوب نمی شود، بلکه مثل ترخیص فعل، قیدی وجودی است. بنا بر این بیان هر یک از این دو قید نیازمند مثنونه زائده بوده و اطلاق هیئت نهی بر هیچکدام دلالت نخواهد داشت.^۱

تقریر دوّم

از طرفی دلالت هیئت نهی به دلالت تصویری بر نسبت امساکیه، مساوق با آن است که تمام ابواب متصوره برای انجام منهیّ عنه، به روی این شخص بسته شود و از طرفی دیگر اصل تطابق مدلول تصدیقی با مدلول تصویری مقتضی آن است که مدلول تصدیقی چیزی جز همان مدلول تصویری نباشد، مگر اینکه قرینه ای بر خلاف ذکر شود؛ لذا اطلاق هیئت نهی و عدم ضمیمه قرینه، مقتضی مسدود شدن تمام طرق انجام عمل منهیّ عنه بر روی مخاطب است و این چیزی جز معنای تحریم نمی باشد.

^۱ - تقریر اوّل مرحوم شهید صدر در مورد ظهور هیئت امر در درس شماره ۳۲، مورخ ۹۱/۱۰/۲ و نقد آن در درس شماره ۳۳، مورخ ۹۱/۱۰/۳ مفصلاً بیان گردید.

نقد تقریر دوم

اولاً مبنای ایشان مبنی بر اینکه مدلول تصویری و موضوع له هیئت نهی، نسبت امساکیه است، مورد پذیرش نمی باشد، بلکه نهی عبارت است از منع و زجر از فعل و امساک مخاطب از انجام عمل منهی عنه، صرفاً داعی بر نهی و خارج از موضوع له آن می باشد.

ثانیاً بر فرض پذیرش اینکه مدلول تصویری و موضوع له هیئت نهی، امساک مخاطب باشد، این امساک می تواند همراه با ترخیص در فعل، مطلوب مولی قرار گرفته و اراده شود و می تواند بدون ترخیص در فعل اراده شود و اصل تطابق تنها چیزی را که اقتضا دارد، اراده امساک مخاطب از فعل است؛ و اما اینکه کدام فرد از امساک در مقام استعمال اراده شده است، نیازمند قرینه می باشد و اطلاق هیئت نهی نیز همانند وضع آن، بر هیچ یک دلالت ندارد^۲.

علی ای حال نمی توان دلالت ظهوری هیئت نهی در تحریم را در مقام استعمال، مستند به اطلاق و مقدمات حکمت دانست.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

^۲ - تقریر اول مرحوم شهید صدر در مورد ظهور هیئت امر و نقد آن در درس شماره ۳۳، مورخ ۹۱/۱۰/۳ مفصلاً بیان گردید.